

## پاسداری زبان فارسی در حوزه قانونگذاری

احمد خسروی؛ عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه بیرجند  
a.khosravi@birjand.ac.ir

### چکیده

زبان فارسی یکی از کهن‌ترین و استوارترین وسایل پیوستگی ایرانیان و کشورهای فارسی‌زبان است. زبان فارسی رکن استوار هویت و فرهنگ و وحدت ملی ایران می‌باشد که از ۲۵۰۰ سال پیش شکل گرفته و به عنوان ملاک اشتراک ملتی دیرینه تلقی می‌شود. اما از آنجا که زبان مانند یک ارگانیسم زنده است که دائم در حال تغییر و تحول است، می‌بایست به گونه‌ای هدایت شود تا ضمن اینکه خودش حفظ شده فرهنگ و وحدت ملت نیز بواسطه آن حفظ گردد. یکی از مهمترین ابزار حفظ و انتقال زبان به نسل‌های آینده قوانین و مقررات هستند. قوانین که بیشتر امور مردم از لحظه تولد (و چه بسا قبل از آن) تا دم مرگ را تحت تاثیر قرار داده و تنظیم می‌نمایند و از طرفی الزام‌آور بوده و دارای ضمانت اجرا است می‌تواند، در صورتیکه در نگارش آن زبان فارسی پاسداری گردد به نوعی در حفظ زبان فارسی در جامعه نیز تاثیر عمیقی داشته باشد. متأسفانه علی‌رغم اهمیت خاصی که به زبان فارسی داده می‌شود پاسداری از آن چندان مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است. هر چند قانون منبع بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه در این خصوص وضع شده و دولت نیز آیین‌نامه اجرایی آن را وضع کرده است، و تمامی اشخاص اعم از اشخاص حقوق خصوصی و اشخاص حقوق عمومی را از بکارگیری واژه‌های بیگانه منع کرده، ولی ضمانت اجرای چندانی برای آن در نظر نگرفته است و بیشتر تضمین‌های اجرایی آن متوجه اشخاص خصوصی است و در باب تکالیف نهادهای دولتی و از جمله نهادهای وضع قوانین و مقررات چندان اثربخش نیست و لازم است تا توجه بیشتری از جانب مقننه، آنهم حداقل در حوزه قانونگذاری که به عنوان متون رایج در کشور است و همه با آن سر و کار دارند بشود.

**واژگان کلیدی:** زبان فارسی، پاسداری زبان فارسی، قانون، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

### ۱. مقدمه

یکی از کهن‌ترین و استوارترین وسایل پیوستگی ما با بسیاری از ملل شرق، بخصوص با مردم افغانستان، تاجیکستان و نیز فارسی‌زبانان هند و پاکستان و بنگلادش و عراق و نواحی خلیج فارس و ترکمنستان و ازبکستان و داغستان و ترکیه زبان فارسی است. همچنانکه همین زبان فارسی و آثار ادبی و فکری‌اش موجب اشتهار و سربلندی ما در جهان غرب شده است. از طرف دیگر بدون تکیه به فرهنگ دیرین و زبان فارسی استقلال در برابر هجوم و فکر و تمدن و صنعت غرب، یعنی ایرانی و مسلمان ماندن، انتخاب کردن و تقلید نکردن و تسلیم نشدن امکان‌پذیر نیست. زبان فارسی رکن استوار هویت و فرهنگ و وحدت ملی ایران می‌باشد. این زبان از ۲۵۰۰ سال پیش که در فارس نشأت گرفته به عنوان ملاک اشتراک ملتی دیرینه تلقی می‌شود که با خود اشتراکات تاریخی، فرهنگی و غیره را به دنبال داشته که منجر به تشکیل ملت واحدی گردیده است.

بعلاوه، میدان عمل زبان را نه تنها در ایجاد ارتباط بین انسان‌ها که همچنین در قابلیت امکان برای اندیشیدن، شکل‌گیری شخصیت، ساخت هویت فردی و اجتماع و در نهایت شکل‌دهی به مفهوم اجتماع انسانی متحول شده به یک جامعه مشخص باید در نظر گرفت. همچنین، رابطه نزدیکی بین زبان و فرهنگ وجود دارد و از آنجا که به گفته بسیاری از انسان‌شناسان جدید ویژگی مهم انسان، فرهنگی بودن اوست و به عبارتی انسان تنها گونه جانوری است

که فرهنگ دارد و زبان مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین ارکان هر فرهنگی است (ا. وایت، ۱۳۹۴، ص ۲۱). چنانکه مقام معظم رهبری نیز از زبان به عنوان عنصر حفظ فرهنگ جامعه یاد می‌کنند و آن را به عنوان عامل مهم هویت ملی معرفی کرده و می‌فرمایند؛ «هویت ملی ما به زبان و خط ماست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۲۳). علاوه بر ایجاد فرهنگ، همین زبان حافظ فرهنگ یک کشور نیز می‌باشد. بنابراین با زبان است که فرهنگ در یک جامعه تولید و حفظ می‌شود. چرا که زبان پدیده‌ای است اجتماعی و با دیگر تحولات اجتماعی مرتبط است.

به همین اندازه تاثیرگذاری زبان، خود زبان تحت تاثیر عواملی چون جهانی شدن، مسائل اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی قرار دارد. چنانکه می‌توان گفت دلیل ارتقاء زبان انگلیسی به دلیل قدمت فرهنگ انگلیسی و قدرت فعلی آمریکاست و زبان‌های دیگر را تحت تاثیر قرار داده است. بعلاوه به گفته مولر زبان و اندیشه تفکیک‌ناپذیرند و بنابراین بیماری زبان بیماری فکر نیز هست (کاسیرر، ۱۳۶۰، ص ۱۵۷) و تفاوت میان زبان‌های گوناگون، تفاوت در آواها و نشانه‌ها نیست، و بلکه تفاوت در جهان‌بینی است. (موقن، ۱۳۷۸، ص ۱). به طور کلی باید گفت زبان یک مسئله چند وجهی است که بررسی آن با رشته‌های مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، منطق، زبان-شناسی، حقوق و غیره ارتباط پیدا می‌کند (باطنی، ۱۳۷۱، ص ۹-۱۱).

زبان فارسی زبان یک قوم یا حتی یک ملت نیست، بلکه میراث مشترک اندیشه‌ورزی بخش گسترده‌ای از ملل مشرق زمین در طی هزاران سال، میراثی که در بردارنده حتی گونه‌های اندیشه فلسفی، عرفانی، زیباشناسی، کلام، لذات سمعی و بصری، قوانین و مقررات و خط و سنن و آداب و رسوم ماندگار انسانی است، تاریخ ملت‌هاست، شکوه توانایی انسان در بروز احساسات و افکار و نیازهاست. بنابراین حفظ آن یکی از ضروریات است.

از طرفی زبان پدیده‌ای ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه زبان پدیده‌ای متحول و زنده است که همواره در حال بازسازی خویش است، چرا که این پدیده بر بستر وجود زنده انسانی و ارتباطات و گستره عمل اجتماعی حرکت می‌کند. در نتیجه در یک رابطه دائمی با بستر خویش متاثر از دیالکتیک تکامل و قوانین حاکم بر حرکت است. به همین مناسبت ممکن است تحت تاثیر فرهنگ‌های دیگر تضعیف شود و یا بدلیل پیشرفت و تقویت قدرت یک کشور خود تقویت یافته و بر سایر زبان‌ها تاثیر گذارد.

علیرغم اهمیتی که برای زبان و از جمله زبان فارسی ذکر شد، امروزه متاسفانه این زبان از درون و برون در حال انحطاط است. به گونه‌ای که در بخش‌های مختلف از جمله نویسندگان و گویندگان و حتی شاعران و ادیبان و کتاب‌نویسان و امثال آن به شکل بسیار بدی مطرح می‌شود. این نگرانی نه تنها در ارتباط با افراد خصوصی است بلکه حتی مراجع و مقامات رسمی اسناد و متون فارسی و از جمله قانونگذاران نیز در نوشتار خود درگیر این انحطاط شده‌اند. هدف این پژوهش نه بررسی همه موارد، بلکه پاسخ به این سوال است که آیا قانونگذار تدابیری برای صیانت از زبان فارسی در قوانین و مقررات حقوقی اندیشیده است؟ چنانکه می‌توان گفت بخش مهمی از این مشکلات به قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف تقنین، اجرا و قضا برمی‌گردد. و متاسفانه قانونگذار نیز در تدوین قوانین به این مهم توجه نداشته و بسیاری از الفاظ و اصطلاحات بیگانه وارد زبان قوانین ایران شده است و به نظر می‌رسد علیرغم پیش‌بینی قانونگذار و تشکیل نهادهای پاسدار زبان فارسی، در این امر موفق نبوده است و عوامل متعددی در این زمینه نقش داشته است. به همین مناسبت برای بررسی موضوع ابتدا لازم است تا علل و عوامل ورود الفاظ و اصطلاحات بیگانه در زبان قوانین را مورد بررسی قرار گرفته و سپس به راه‌کارهایی که خود قانونگذار در جهت پاسداری از زبان فارسی در قوانین مصوب کرده را بررسی و ارزشیابی نماییم

## ۲. علل و عوامل ورود واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه در قوانین

ورود اسامی، واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه به زبان فارسی تابع عوامل متعددی است که می‌توان گفت مهم‌ترین آن وقایع تاریخی گذشته است که از توان مردم یک مقطع زمانی خارج است؛

الف) تحولات تاریخی؛ علت بررسی تاریخی را می‌توان این دانست که «زبان مانند ارگانسیم زنده‌ای است که پیوسته در حال دگرگونی و تغییر است. کسانی که گذشته زبان را ملاک ارزیابی و قضاوت درباره صورت فعلی آن قرار می‌دهند، در واقع تحول زبان را انکار می‌کنند و می‌کوشند از تحول آن جلوگیری کنند ولی این تلاشی است بیهوده و عبث که همیشه به ناکامی می‌انجامد؛ زیرا شناکردن برخلاف جریان آب است.» (باطنی، ۱۳۷۱: ۱۸۳). با اعتقاد به وجود تحول، می‌توان آن را در هر مسیری هدایت کرد؛ این تحول می‌تواند در مسیر الگوبرداری‌های ناشیانه برخی از مترجمانی قرار بگیرد که دین خود را بیشتر به زبان مبدأ ادا می‌کنند تا مقصد، و نیز می‌توان آن را در مسیر خودکفایی و ازگانی و ساختاری نشئت‌گرفته از خود زبان قرار داد. (Hudson, 2000, p.24)

زبان فارسی علیرغم قدمتی که دارد، همواره در طول تاریخ تحت تاثیر زبان‌های دیگر قرار گرفته است. هر چند شاهد گسترش این زبان، علی‌الخصوص تا قرن سوم و چهارم بدلیل پیشرفت و گسترش جامعه ایرانی، مانند انتشار کتاب‌های فارسی از نویسندگانی مانند ابن سینا و ابوریحان بیرونی هستیم و در قرن چهارم نیز متون نثر فارسی پدیدار شده و گسترش یافته‌اند. اما ظهور اسلام و گسترش منابع اسلام به زبان عربی و حتی نگارش کتب علمی ایرانیان به زبان عربی به شدت زبان فارسی تحت تاثیر قرار گرفت و در این بین آنچه بیش از سایر موارد متاثر شد، زبان حقوق بود.

بسیاری از دانشمندان معتقدند که ایران باستان نیز مانند روم، دارای حقوق به نسبت پیشرفته و گسترده‌ای بوده در جامعه ایران قبل از اسلام، ادیان متعددی از جمله زردشتی، صائبی، مزدکی، مانوی، بودایی، مسیحی و غیره رواج داشت و دین رسمی ایران در دوران زردشتی بود و شاهان ایرانی به آن اعتقاد داشتند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۵۴) و قوانین متعددی نگاشته شد. از جمله قانون حمورابی کهن‌ترین قانون مدرن تاریخ بشر گواهی می‌دهد که بابلیان در چهار هزار سال پیش چگونه روابط اجتماعی خویش را نظام مند کرده، به تدوین قانون در حقوق خانواده، مالکیت، تجارت، آیین دادرسی و غیره می‌پرداختند و مجالس قانونگذاری نیز در این دوران‌ها وجود داشت که به قانونگذاری می‌پرداخت، مانند مجلس مهستان عهد اشکانی که از میان بزرگان و اشراف ایرانی تشکیل شده بود، ولی حمله اعراب به ایران ارکان مجلس در حکومت ایران را برای بیش از هزار سال مفقود گردانید. تا زمان ناصرالدین شاه که در چند حوزه دستور تشکیل مجالس مشورتی صادره شده از جمله مجلس ۲۵ نفره «مصلحت‌خانه» یا به اختصار «مجلس مشورت و مجلس وکلای تجار» که تشریفات و فاقد قدرت بودند (جوزی نعمتی، ۱۳۸۶، ص ۸۳).

به عبارت دیگر در اوایل ورود اسلام عقیده غالب بر این بود که از آنجا که اسلام آخرین و کاملترین دین است، لذا همه امور اعم از عمومی و خصوصی را بیان کرده و قانونگذاری در اسلام بدعت است و عقل ناقص بشری قادر به درک این امور نیست. بنابراین تنظیم روابط بین مردم و مردم با دولت قواعد فقهی بود که برگرفته از قرآن و سنت بوده که خود به زبان عربی هستند و تاثیر زیادی بر زبان فارسی گذاشت. تحولات روزمره و مسائل جدیدی که مطرح شد باعث شد که در ابتدا مسائل جدید که در قالب فتوا مطرح می‌شد، بصورت قانون مطرح شود. از آغاز عصر اجتهاد در قرن چهارم که حکومت‌های شیعه در جهان سر برآوردند، سلسله آل بویه در بخش‌هایی از ایران قدرت یافت و در ادامه تا بغداد گسترده شد. در این دوره برای اولین بار در فقه شیعه اثر رأی و اجتهاد به خوبی احساس شد و قانونگذاری (یا به عبارت دقیقتر فقه یا فتوا) در فقه شیعه بصورت فنی درآمد و با بکار بردن استدلال، فروع بر اصول منطبق و نخستین پایه‌های اجتهاد پایه‌گذاری شد که این امر تاکنون در مسیر تکامل فقه تاثیر مهمی داشته است و مسائل حقوقی را نیز در بر گرفت. چنانکه به گفته شیخ مفید قانونگذاری در مسائل حقوقی، اجرای حدود، قصاص، تعزیرات و وصیت و غیره از اختیارات فقیه در عصر غیبت است. تا حدود صد سال پیش پاسخگویی به نیازهای روزمره از طریق فتاوی بود. ولی بدلیل پراکندگی فتاوی و اقدام برای منسجم نمودن قواعد حاکم بر حوزه عمومی و دلایلی چون دانش آموختگی برخی علمای حقوق از مدارس غربی که اندیشه مجلس قانونگذاری را که از غرب آموخته بودند را مطرح کردند، گسترش صنعت چاپ و سواد و جریان روشنفکری که در

آن زمان قانونمداری را تبلیغ و ترویج می‌کرد منجر به ظهور قانون و مجلس قانونگذاری شد (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۹۲). هر چند مشروطیت به عنوان بنیاد و اساس قانونگذاری در ایران نقش مهمی در شیوه تولید قانون در ایران داشت، اما بدلیل حاکمیت قواعد اسلام، پذیرش اکثریتی مردم<sup>۱</sup> در واقع همان قواعد شرعی تبدیل به قانون شدند، منتها از آنجا که قواعد فقهی که سرمنشا بسیاری از قوانین موضوعه در ایران هستند به زبان عربی نگاشته شده‌اند، بسیاری از الفاظ و عبارات عربی بدون ترجمه و معادل‌سازی وارد زبان حقوقی و حتی زبان معیار شدند. به گونه‌ای که بسیاری از آنها برای عموم مردم قابل فهم نیست. این در حالی است که قوانین برابر ماده (۱) قانون مدنی می-بایست منتشر شود تا مردم از آن اطلاع یابند و قوانین ۱۵ روز پس از انتشار لازم‌الاجرا می‌شوند و زین پس جهل به قانون رافع مسولیت نیست.

هر چند با فروپاشی حکومت‌های عرب در سده‌های گذشته رفته رفته از نفوذ زبان عربی در فارسی کاسته شد و واژه‌های کم کاربرد عربی کم‌کم به فراموشی سپرده شد، ولی انبوهی از واژه‌های عربی آرایش پارسی یافته بوند و هنوز هم در زبان فارسی وجود دارند. به گونه‌ای که برخی زبان‌شناسان این دسته از واژگان را جزو واژگان فارسی تلقی می‌کنند. چنانکه دکتر علی اشرف صادقی (علی‌اشرف، ۱۳۷۱، ص ۴۸) در پاسخ به این سؤال که منظور از «واژه فارسی» چیست، می‌گوید: «منظور فارسی‌ای است که در دوره اسلامی در همه متون ما به کار رفته است؛ خواه عربی است و اصلش عربی تبار است، خواه ترکی تبار است، خواه یونانی تبار و خواه از منشأ اروپایی. از زبان‌های مختلف گرفته شده باشد ولی همین قدر که ما این را به کار می‌بریم کافی است.»

اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. متأسفانه در دوران اخیر نیز به دلیل کم توجهی به زبان فارسی از یکطرف و پیچیده‌تر شدن مسائل پیشرفت و تکنولوژی و وارداتی بودن آن در ایران، بخصوص از غرب و گسترش فضای مجازی، باعث شده تا بتدریج در قوانین جدید این بار واژه‌های انگلیسی و فرانسوی نیز وارد شده و بر ابهام زبان حقوقی فارسی بیفزاید. زبان فرانسوی برای مدت طولانی به عنوان زبان دیپلماتیک و بین‌المللی شناخته شده است. پس از برقراری روابط تجاری و فرهنگی بین ایران و فرانسه، آموزش زبان فرانسوی به عنوان زبان دوم و تحصیل دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های فرانسه تعداد زیادی از واژگان زبان فرانسوی به زبان فارسی راه یافته است که بدلیل پیشرفتی که در زمینه حقوق داشته است و وام‌گیری برخی از قوانین داخلی از نظام حقوقی فرانسه واژگان زیادی با فارسی درآمیخته‌اند و این واژگان چنان درآمیخته‌اند که تشخیص آنها برای بسیاری ممکن نیست. مانند آژانس، اکیپ، ایده، کنفرانس، کنگره، تابلو و غیره.

می‌توان گفت زبان‌های متعددی از جمله زبان روسی، انگلیسی و فرانسوی بر زبان فارسی تاثیر گذاشتند که قوانین نیز از آن مستثنی نیست. آغاز آشنایی عمیق‌تر با زبان روسی و رفت‌وآمد بیشتر به روسیه به زمان فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا برمی‌گردد که عده‌ای برای یاد گرفتن فن‌های جدید به آن سرزمین اعزام شدند. در همین دوره، رفت‌وآمد به انگلستان و فرانسه نیز آغاز شد. میرزا ابوالحسن ایلچی شیرازی و میرزا صالح شیرازی از نخستین کسانی بودند که به انگلستان رفتند و با زبان انگلیسی آشنا شدند. در زمان عباس‌میرزا، به غیر از روس‌ها عده‌ای از نظامیان فرانسه نیز برای آموزش سپاهیان ایران به استخدام دولت ایران درآمدند. خود عباس‌میرزا به آموختن زبان فرانسه و انگلیسی روی آورد. پس از وی، در دوران پادشاهان قاجار، به‌ویژه از زمان ناصرالدین‌شاه به بعد، اعزام محصلان ایرانی به کشور فرانسه آغاز شد و در دربارها نیز مترجمان فرانسه به کار مشغول بودند که بخشی از این ترجمه‌ها قوانین و مقررات آنها بود. اعتمادالسلطنه، وزیر ناصرالدین‌شاه نیز فرانسه‌دان بود. تقریباً از این

<sup>۱</sup> اصل اول قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش، به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیه الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاول سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد

زمان به بعد زبان دوم درس خوانندگان ایرانی زبان فرانسه شد و مترجمان بسیاری شروع به ترجمه کتاب‌های علمی و ادبی از این زبان کردند. این امر راه ورود کلمه‌های فرانسوی را به زبان فارسی باز کرد. نخست بیشتر واژه‌های علمی جدید در نوشته‌ها به زبان فرانسه بود ولی برخی از متخصصان شروع به برگرداندن آن‌ها به اصطلاحات عربی کردند. بسیاری از آن‌ها امروز نیز جزء واژگان زبان رسمی و معیارند. با بسیاری از این کلمه‌ها و نیز کلمه‌های روسی، واژه‌های مرکب و مشتق فراوانی ساخته شد که امروز در فارسی کاربرد دارند. هر چند در این دوره، شماری از کلمه‌های روسی متروک شدند و جای آن‌ها را به تدریج برابری‌های فرانسه آن‌ها گرفتند؛ بعد از جنگ جهانی دوم و قرار گرفتن زبان انگلیسی به جای زبان فرانسه، رفته‌رفته کلمه‌های انگلیسی نیز وارد فارسی شدند. از این دوره به بعد آموزش زبان فرانسه در دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها به تدریج کنار نهاده شد و جای آن را آموزش زبان انگلیسی گرفت. با این همه، روند ورود کلمه‌های فرانسه به فارسی تا اواخر دهه ۱۳۳۰ همچنان ادامه داشت اما از اوایل دهه ۱۳۴۰ و بازگشتن درس خوانندگان کشورهای آمریکا و انگلستان به ایران، ورود شماری از آنان به دانشگاه‌ها و ترجمه کتاب‌های انگلیسی، کلمه‌های انگلیسی با شتاب بیشتری وارد زبان فارسی شدند. (باقری، ۱۳۷۸، ص ۵۹).

ب) عدم برخورداری خط و تقلید از خط عربی؛ در اواخر قرن سوم تا اوایل قرن چهارم که ایرانیان پس از دو قرن بی خطی صاحب خط شدند، کوشیدند پارسی بنویسند و از نوشتن با انشاء عربی به فارسی بازگردند. در این خط جدید که از عربی اقتباس شد طبعاً همسانی خط و ارتباط و علائقی که با زبان عربی در دو سست سال گذشته پیدا کرده بودند موجب ورود لغات عربی به خط و زبا فارسی گشت.

ب) عربی مآبی و پیچیده نویسی؛ عربی دانی و عربی مآبی دانشمندان و نویسندگان و حتی قانونگذار در مرحله وضع قانون و مجریان و قضات در مرحله اجرا و دادرسی که به عمد لغات و واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات عربی را استفاده می‌کنند موجب ورود الفاظ و واژگان بیگانه به زبان فارسی شده است؛ «می‌بینیم کسانی که گویی زمان سنج خود را به چاه انداخته باشند، اینان بی‌پروا بایستگی و نیازهای زمانه، هنوز هم پای بر پای پیشینیان می‌گذارند و ... ره چنان می‌روند که رهروان رفتند. همچنان عربی مآبی و پیچیده‌نویسی را مایه فخر می‌شمارند و نه تنها در گفتار بلکه در نوشتار و نه تنها در میهن که گاه در خارج از آن نیز علامه بازی در می‌آورند. (دوستخواه، جلیل؛ «زبان فارسی از آشوب تا سامان»، کانون پژوهش‌های ایران‌شناختی؛ [www.iranshenakht.blogspot.com](http://www.iranshenakht.blogspot.com)، شماره ۳/۴) و از آنجایی که زمینه شکل‌گیری برخی قوانین دکتترین حقوقی همین علما و دانشمندان حقوقی تحصیل کرده در غرب و یا متأثر از غرب هستند خواه ناخواه بر زبان قوانین نیز تاثیر گذاشته و واژه‌های بیگانه را را وارد زبان فارسی کردند.

ج) سلطه دینی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی؛ باعث شده تا زمینه ورود واژه‌های بسیاری فراهم شود. هر چند این عامل بیشتر تاریخی است ولی می‌توان گفت هر زبان بیگانه در یک بعد خاص در طول تاریخ سلطه یافته و در یک بخش منجر به تضعیف زبان فارسی شده‌اند.

د) تقلیدی بودن علوم و فنون؛ بیشتر واژگان وارداتی در زبان فارسی مربوط به واژگان و اصطلاحات تخصصی است. از جمله در حیطه‌های فنی، فرهنگی، هنری، نظامی، پزشکی، ورزشی و حتی حقوقی به معنای خاص آن. وقتی دانش و تکنولوژی از کشورهای دیگر که بومی آن کشور است وارد ایران می‌شود معادلی در زبان فارسی ندارند یا معادل آنها چندان گویا نیست و چون در همان زمان نسبت به وضع واژه جدید اقدامی صورت نمی‌گیرد به همان واژه‌های زبان کشور محل تولید وارد زبان فارسی می‌شوند.

ذ) قابل فهم‌تر بودن برخی واژگان بیگانه؛ بعضی از واژه‌های بیگانه و بخصوص برخی واژه‌های عربی قابل فهم‌تر از واژه‌های کهنه ایرانی به نظر می‌آید و یا کلمه‌ای ساده مایه گشایش در معنی می‌شد.

### ۳. راه کارهای پاسداری از زبان فارسی در قوانین

با توجه به اهمیت حفظ زبان فارسی، قانونگذار در سال ۱۳۷۵ قانون ماده واحده‌ای را تصویب کرد بنام «قانون

ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه» و در آن مقرر شد: «به منظور حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی، دستگاه‌های قانونگذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها، شرکت‌ها و موسسات دولتی و کلیه شرکت‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است و تمامی قانون برنامه دوم توسعه (شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره ۲۲) موظفند از به کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخش‌های دولتی و غیردولتی که در داخل کشور عرضه می‌شود ممنوع است».

قوانین به عنوان اسنادی که برای مردم ایجاد حق و تکلیف می‌کند و به عبارتی دیگر روابط بین مردم را تنظیم می‌کند، بیشتر از هر چیزی دیگر می‌تواند بر زبان مردم تاثیر بگذارد، چرا که زبانی است که مردم با آن معاملات خود را تنظیم می‌کنند و با آن به دفاع از حقوق خود در دادگاه‌ها می‌پردازند و معاملات خود را بر اساس این زبان تنظیم می‌کنند. بنابراین نهادهایی که در این امر دخیل هستند مکلفند در نگارش قوانین به این مهم توجه نمایند. اما اینکه کدام نهادها و مقامات در امر قانونگذاری نقش دارند که این تکلیف بر آنان بار است یکی از مهمترین مسائلی است که می‌بایست شفاف شده و این تکلیف همانند سایر تکالیف به آنان ابلاغ گردد.

#### ۴. نهادهای قانونگذار مکلف به پاسداری زبان فارسی

در تعبیری که از قانون می‌شود بخصوص مفهوم عام آن، می‌توان گفت که قانون عبارت است از قاعده مربوط به رفتار انسان در جامعه که اجرای آن بر افراد تحمیل می‌شود و در واقع یکی از خصایص بارز آن، الزام‌آور بودن آن است. بر این اساس، مقام و مرجعی که برای وضع قانون صلاحیت دارد و می‌تواند به آن قدرت الزام‌کننده بدهد و الزام آن را توجیه کند، مقامی است که در یک جامعه قدرت و حکومت را در دست داشته باشد و با توجه به در نظر گرفتن نیازها و مصالح و منافع جامعه خود و آداب و رسوم و معتقدات رایج و غالب جامعه، قوانین را وضع و اجرای آن را بر مردم الزام می‌کند (مهرپور، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳) می‌توان گفت همانطور که قانون توسط دستگاه‌های دولت می‌تواند بر مردم تحمیل شود، به تبع آن زبان آن نیز بر مردم تحمیل می‌شود، و بنابراین، انتقال این مجموعه به زبان فارسی نقش بسزایی در پاسداری از زبان فارسی دارد و در ثانی تعیین نهادهایی که در زمینه تدوین قوانین نقش دارند اساسی است. قانون مزبور هر چند تمامی دستگاه‌ها را از استعمال واژه‌ها، اسامی و اصطلاحات بیگانه منع نموده ولی می‌توان گفت یکی از این دستگاه‌ها، دستگاه‌های قانونگذاری است. اگر مفهوم عام قانون را مدنظر قرار دهیم که البته لازم هم هست که این مفهوم مد نظر قرار گیرد می‌توان گفت تمامی دستگاه‌هایی که به نحوی در امر تدوین قوانین اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، مقررات دولتی و سایر قواعد عام کلی و لازم‌الاجرا نقش دارند را شامل می‌شود.

از جمله مهمترین و رایج‌ترین این نهادها، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهایی است که در امر تدوین قوانین به این نهاد کمک می‌کنند، مانند مرکز پژوهش‌های مجلس و حتی سایر نهادها مانند دولت که در امر تهیه لوایح قانون نقش دارد و همچنین است قوه قضائیه در باب تهیه لوایح مربوط به خود. دیگر، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است که توسط دولت منعقد می‌شود و برابر ماده ۹ در حکم قوانین داخلی است و بخصوص که در ترجمه این دسته از قوانین که ممکن است به زبان دیگری توافق شده باشد و بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی باید به تصویب مجلس برسد و پس از تصویب مانند قوانین داخلی لازم‌الاجرا می‌شوند و برای مردم نیز ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان صورت می‌گیرد و در حکم قانون اساسی است (اصل ۹۸ قانون اساسی) و تفسیر قوانین عادی که بر عهده مجلس است و در حکم قوانین عادی می‌باشند (اصل ۷۳ قانون اساسی). سایر دستگاه‌های قانونگذار در معنای عام قانون نیز مکلف به منع استعمال الفاظ و اصطلاحات

بیگانه هستند مانند هیات وزیران، هر یک از وزیران و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر (اصل ۱۳۸ قانون اساسی) و حتی شوراهای تصمیم‌گیر از شورای عالی امنیت ملی گرفته تا شوراهای شهر و روستا که مصوباتی تصویب می‌کنند که به عنوان یک قاعده عام، کلی و لازم‌الاجرا تلقی می‌شود و همچنین خود قوه قضائیه در صدور آرای خود از جمله آراء وحدت رویه قضایی که در حکم قانون است. مقامات و نهادهایی دیگری نیز هستند که هر چند میزان وضع مصوباتشان در مقایسه با مجلس و دولت کمتر است ولی بدلیل اهمیتی که دارد و تکلیفی که برای قوای سه‌گانه و نهادهای اجرایی ایجاد می‌کند نیز می‌تواند نقش موثری در پاسداری از زبان فارسی داشته باشند از جمله مقام رهبری در صدور احکام حکومتی در مواردی که در قالب قواعد عام و کلی صادر می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۸) و همچنین در تعیین سیاست‌های کلی نظام (بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، مصوبات شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶ قانون اساسی)، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی که در مواردی قواعد کلی صادر می‌کنند که قانون به معنای عام آن محسوب می‌شوند.

### ۵. تکالیف دستگاه‌های قانونگذار در مرحله قانونگذاری

در تدوین قوانین و مقررات دستگاه‌های متولی امر قانونگذاری دو وظیفه مهم را بر عهده دارند در مرحله اول یافتن مطلوبترین و عادلانه‌ترین قواعد و دیگری بیان و یا نگارش آنها می‌باشد.

الف) یافتن قواعد مطلوب؛ همچنانکه قانونگذار در یافتن قواعدی که عادلانه‌ترین راه‌حل‌ها در روابط اجتماعی را ارائه می‌دهد، از سایر علوم و متخصصین آنها از جمله علوم اجتماعی مانند اخلاق، جامعه‌شناسی، تاریخ و علوم سیاسی و اقتصادی یاری می‌جوید و همین‌طور از تجربیات سایر کشورها نیز استفاده می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۷۲) بنابراین چه در بکارگیری الفاظ و اصطلاحات و چه در ترجمه قوانین کشورهای دیگر، می‌بایست از متخصصین علم تاریخ، زبان و ادبیات فارسی نیز در جهت یافتن واژه‌ها و اصطلاحات اصیل ایرانی، معادل‌سازی و وضع الفاظ جدید که اولاً فارسی بوده و در ثانی به بهترین نحو بتواند مفاهیم مدنظر قانونگذار را برساند استفاده نماید.

ب) فنون مربوط به تنظیم قواعد و نگارش قوانین؛ برای وضع یک قانون مطلوب صرف دست یافتن به قواعد مفید کافی نخواهد بود، بلکه قوانین باید به زبانی نگارش یابند که برای عموم قابل فهم بوده و باید به اندازه‌ای صریح و واضح باشد که دادرسی در اجرای آن دچار تردید نسازد. لازمه این مهم و بخصوص قابل فهم بودن برای عموم می‌طلبد که قانون تا جایی که به دقت قوانین لطمه وارد نشود به زبان معیار فارسی بیان شود. ولی در خصوص قوانین که از کشورهای دیگر اقتباس می‌شود و همچنین در قانونگذاری در خصوص مسائل جدید لازم است تا قانونگذار از نهادهای دیصلاح از جمله فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فرهنگستان علوم و غیره برای وضع الفاظ جدید کمک بگیرد.

### ۶. تکالیف نهادهای پاسدار زبان فارسی

علاوه بر اینکه دستگاه‌های قانونگذاری مکلفند در تدوین قوانین و مقررات از واژگان زبان فارسی استفاده نمایند، قانون‌نهادهایی را جهت نظارت و پاسداری از زبان فارسی مأمور کرده است. چنانکه تبصره ۱ قانون ممنوعیت بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه مقرر می‌دارد؛ «فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید بر اساس اصول و ضوابط مصوب خود برای واژه‌های مورد نیاز با اولویت واژه‌هایی که کاربرد عمومی دارند راساً یا با همکاری مراکز علمی و واژه‌گزینی و یا واژه‌سازی کند و هر شش ماه یکبار گزارش فعالیت‌های خود را به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی و حسب مورد سایر کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». همچنین سایر دستگاه‌ها و نهادها از جمله فرهنگستان‌های علوم و علوم پزشکی و دستگاه‌های آموزشی و پژوهشی، دانشگاه‌ها

و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی ملکفند در زمینه واژه‌گزینی و واژه‌سازی تخصصی اقدام کنند و واژه‌های پیشنهادی خود را به تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برسانند. (تبصره ۳ همان قانون). بعلاوه اگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی در زمینه واژه‌گزینی و واژه‌سازی تخصصی خواستار همکاری دستگاه‌ها و مراکز علمی، آموزش، صنعتی و فرهنگی باشد، این دستگاه‌ها و مراکز نیز موظفند با فرهنگستان همکاری کنند. (تبصره ۴ همان قانون)

#### ۷. قلمرو نظارت؛

همانطور که بررسی شد برخی از واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه چنان با زبان فارسی عجین شده که تمایز آنان امکان‌پذیر نیست و برخی دیگر نیز علیرغم ورود چندان خوشایند طبع مردم قرار نگرفته و برخی دیگر علیرغم آنکه در قوانین بکار می‌رود برای مردم قابل فهم نیست و برای فهم مواد قانونی ناچار از رجوع به فرهنگ لغات هستند. لذا این سوال مطرح می‌شود که قلمرو نظارت نهادهای فوق‌الذکر تا کجاست؟ آیا می‌بایست جلوی واژگانی که گذشته وارد شده را هم باید گرفت؟ آنچه از آیین نامه اجرایی قانون ممنوعیت بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه قابل استنباط است این است که بین الفاظ و اصطلاحات بیگانه‌ای که در گذشته رواج یافته و برای مردم قابل فهم است و الفاظ برگرفته از متون معارف و فرهنگ اسلامی و سایر الفاظ تمایز قائل شده است؛ «آن دسته از کلمات عربی و همچنین بعضی از واژه‌های متعلق به سایر زبان‌ها که دیرباز در زبان فارسی رواج یافته و هم اکنون جزیی از زبان فارسی محسوب می‌شود یا واژه‌ها و اصطلاحات عربی برگرفته از متون و معارف و فرهنگ اسلامی که با بافت زبان فارسی معیار همخوانی و تناسب داشته باشد، واژه بیگانه تلقی نمی‌شود»

#### ۸. ضمانت اجرا

برابر ماده ۶ دستورالعمل اجرایی قانون منع بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه و آیین‌نامه اجرایی آن... مصوب جلسه بیست و هشتم کمیته مرکزی سازمان‌های تبلیغاتی کشور مصوب ۱۳۸۲/۴/۱ مرجع تشخیص رعایت قوانین و مقررات و یا تخلف از آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. هر چند برای تخطی از قانون مزبور مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است از جمله اخطار کتبی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعویض علائم و نشانه‌ها و تغییر اسامی و عناوین پس از اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط وزارت کشور یا دستگاه ذیربط با هزینه متخلف، تعطیلی موقت محل کار و لغو پروانه کار (تبصره ۸ قانون ممنوعیت بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه)، ولی اینگونه از ضمانت اجراها نسبت به دستگاه‌های قانونگذاری و از جمله قوه مقننه و مجریه کارساز نبوده و به عبارتی می‌توان گفت در واقع ضمانت اجرایی برای نقض قانون مزبور در خصوص دستگاه‌های فوق‌الذکر وجود ندارد. بخصوص وقتی قانونی تصویب می‌شود اقتدار چندانی در برابر قوای مقننه و مجریه ندارد و قوه مقننه می‌تواند به راحتی با وضع قانون جدید از زیر بار مسئولیت‌های قانون قدیم شانه خالی کند و یا اگر مجریه از آن تخطی نماید مرجعی برای رسیدگی به آن وجود ندارد. بنابراین لازم است تا قانونگذار تدابیر لازم برای تضمین اجرای قانون را اتخاذ نماید.

بعلاوه از آنجا که قانونگذار نمی‌تواند تمام وقایع و دعاوی آینده را پیش‌بینی کند و گاه نیز قانون مجمل و متناقض است و دادرسی ناچار باید قانون را تفسیر کند، یعنی مفهوم درست و قلمرو آن را معین سازد و اراده قانونگذار را به یاری منطق دریابد و نتیجه آن را در رای خود بیان نماید، آن را به زبانی بنویسد که برای طرفین که قرار است که رأی تمکین کنند قابل فهم باشد. در این حیطة هیات عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری که در موارد صدور آراء متعارض از دادگاه‌ها اقدام به صدور رای وحدت رویه می‌کند نیز نقش مهمی دارند چرا که آرائی که صادر می‌کنند همانند قوانین برای سایرین الزام‌آور است و باید به زبان فارسی باشد. متأسفانه بین زبان قانون و زبان



قضات و حتی دفاتر اسناد رسمی در این باب تفاوت‌های وجود دارد و وحدت در نحوه بیان مطالب حقوقی دیده نمی‌شود و بنابراین خود قضات نیز مکلفند در نگارش آرای خود به زبان فارسی اهمیت داده و از بیان آنها به زبان‌های بیگانه و علی‌الخصوص عربی خودداری نمایند.

## ۹. نتیجه‌گیری

علیرغم اهمیتی که برای زبان فارسی ذکر شده است، از جمله اینکه از وسایل پیوستگی ایران و سایر کشورهای همسایه فارسی‌زبان و حتی فارسی‌زبانان مقیم در سایر کشورها است، ملاک اشتراک ملت بوده، عامل ایجاد و حفظ فرهنگ در جامعه می‌باشد، اما از آنجا که پدیده‌های زنده و متحول است که همواره در حال بازسازی خویش می‌باشد و حفظ و انحطاط آن متأثر از سایر عوامل چون قدرت سیاسی، اقتصادی، پیشرفت و تکنولوژی و امثال آن می‌باد، متأسفانه این زبان از درون و برون در حال انحطاط است. به گونه‌ای که در بخش‌های مختلف، از جمله نویسندگان، گویندگان، حتی شاعران و ادیبان و خواص و عوام به شکل بسیار بدی مطرح می‌شود. بیگانه‌مآبی و پیچیده نویسی در بین آنان مایه فخر شده و بی‌پروا واژگان بیگانه را بکار می‌برند. هر چند این امر تنها عامل انحطاط زبان فارسی نیست، بلکه عوامل دیگری مانند گذشته تاریخی ایران، عدم برخورداری از خط مستقل، سلطه دینی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و غیره نیز موثر بوده است. یکی از مهمترین این بخش‌ها، دستگاه‌های قانونگذار در ایران است، از جمله خود قوه مقننه و نهادهای دیگر وضع هنجارهای عام، کلی و لازم‌الاجرا، از جمله دولت و نهادهای خاص سیاسی که برخی مواقع این دسته از هنجارها را وضع می‌نمایند. هر چند قانونگذار به مسئله پاسداری از زبان فارسی توجه داشته است و در سال ۱۳۷۳ قانونی با عنوان قانون منبع بکارگیری اسامی، الفاظ و اصطلاحات بیگانه را تصویب نموده است و دولت نیز زمینه اجرای آن را با وضع آیین‌نامه فراهم نموده است، ولی متأسفانه به گونه‌ای تدوین یافته که ضمانت اجرای کافی برای آن در نظر گرفته نشده است. هر چند می‌توانیم برخی مجازات‌ها را در این قانون بیابیم، ولی با دقت در مجازات‌های مقرر در تبصره ۸ این قانون به صراحت متوجه می‌شویم که مخاطب این مجازات‌ها اشخاص حقوق خصوصی (تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه) هستند و تضمینی برای نهادهای دولتی و از جمله دستگاه‌های قانونگذاری پیش‌بینی نشده است. دستگاه‌هایی که متونی را تدوین می‌کند که مبنای روابط روزمره افراد است. البته ناگفته نماند که پیش‌بینی نهادی بنام فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه معادل‌یابی و وضع معادل‌های جدید در حوزه قانونگذاری و تکلیف برای سایر نهادهای کمک‌کننده به فرهنگستان می‌تواند کمک فراوانی به این امر نماید.

## مراجع

### الف) کتاب‌ها

۱. ارنست کاسیرر، فلسفه فرهنگ، مترجم، بزرگ نادرزاد، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، ۱۳۶۰.
۲. باطنی، محمدرضا، پیرامون زبان‌شناسی، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
۳. باقری، عباس، سیر تحولات قانونگذاری در اسلام، مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۵، ۱۳۸۶.
۴. باقری، مه‌ری؛ تاریخ زبان فارسی، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
۵. صادقی، علی‌اشرف؛ «زبان معیار»، دومین سمینار زبان فارسی در صدا و سیما، سروش، تهران، ۱۳۷۱.
۶. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۸۷.
۷. لسلی، ا. وایت، تکامل فرهنگ، مترجم؛ فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات نسل آفتاب، ۱۳۹۲.
- موقن، یدا، زبان، اندیشه و فرهنگ، تهران، نشر هرمس، ۱۳۷۸.
۸. مهرپور، حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۹۱.

### ب) مقالات

۱. اسماعیلی، محسن، «چیستی حکم حکومتی»، خردنامه همشهری، شماره ۵۱، ۱۳۸۴.
۲. اکرم جوزی نعمتی، بازنگری و تحول قوانین در نظام حقوقی و قانونگذاری، فقه و حقوق، (ندای صادق)، ۱۳۸۶
۳. دوستخواه، جلیل؛ «زبان فارسی از آشوب تا سامان»، ارائه شده در سایت کانون پژوهش‌های ایران‌شناختی به نشانی اینترنتی [www.iranshenakht.blogspot.com](http://www.iranshenakht.blogspot.com)، شماره ۳/۴
۴. مهرپور، حسین، ضرورت تحول در قانونگذاری، نامه مفید، شماره ۱۳۷۴، ۲.
۵. بیانات مقام معظم رهبری، (۱۳۸۳/۸/۲۳)

### ج) قوانین و مقررات

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون ممنوعیت بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه
۲. دستورالعمل اجرایی قانون منع بکارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه و آیین‌نامه اجرایی آن... مصوب جلسه بیست و هشتم کمیته مرکزی سازمان‌های تبلیغاتی کشور مصوب ۱۳۸۲/۴/۱
۳. قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه (مصوب ۱۳۷۵)
۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

